

همین است که هست

روزگار

باید روزگار را چو رایه سر آری

که دوستش نداری .

باید از دل افروزی ، دل بپرستی

که دوستش هم داری .

باید بهاران را در تصویر آینه ساشی

نه در سینه صبر آدمی بهاری

سونه در گل آ

ونه در پرینه ؟

باید با گذشته در رود گوی

و حال ندانسته باشی

اما بندگی به آئینه

باید گرم ترین احاسیس را ( اصل )

~~باید در تصویر سردترین~~ سار

باید ابر بر گردان باشی و در

سینه دهان شاشی .

باید نور ستاره های راه خانه ای بهاری

حق اگر دلت رایه نفا را فرخ به خوار

هم ساری .

~~باید در تصویر گرمترین~~

~~باید در تصویر سردترین~~

~~باید در تصویر سردترین~~

باید دایم بیست و گشت .

همین است که هست . . .

لندن ۱۹۹۰

ترانه